

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.345795.3543>

Assessing the Impact of Political Management on the Participatory Political Culture of Sistan and Baluchestan Province Managers: A Case Study of Interior Ministry Managers)

Review:

The aim of this study was to investigate the effect of political management of managers in Sistan and Baluchestan province on their participatory political culture. The method of this research is quantitative in terms of dealing with data, and the research is conducted by survey method, and data collection is done by questionnaire. The statistical population in this study includes all political managers of the Ministry of Interior working in (including governorates, governorates, districts, etc.) of Sistan and Baluchestan province, which based on the information collected, the total number is 168 people, all of whom All the required information has been collected. Therefore, the sample size in this study is equal to the total size of the statistical population of 168 people. As mentioned in this study, the counting method has been used to collect data. In the present study, non-random sampling and purposive sampling were used and the reason for using this type of sampling method was due to the limited statistical population and sample size. In order to assess the validity or validity of the research tool, apparent validity was used. The collected data were also analyzed by SPSS software. The results at the descriptive level showed that the managers of the province were in a relatively favorable position in terms of political management and were at a relatively high level in all aspects of political management, including political behavior, decision-making nature, perception of the environment and personality of managers. But regarding the participatory political culture, it can be said that the participatory political culture of the managers of Sistan and Baluchestan province was much lower than their political management and they were at a relatively moderate level in all aspects of participatory political culture. Accordingly, the level of participatory political culture of managers was relatively moderate. The results of the research at the inferential level showed that there is a significant positive and direct relationship between all aspects of political management and participatory political culture. Based on this, it can be said that one of the variables that increases their participatory political culture is political management.

Keywords: Political Management, Political Culture, Participatory Political Culture, Managers of the Ministry of Interior, Sistan and Baluchestan Province

تأثیرسنجی مدیریت سیاسی بر فرهنگ سیاسی مشارکتی مدیران استان سیستان و بلوچستان: مطالعه موردی مدیران وزارت کشور

تاریخ دریافت: ۲۵/۱۰/۱۳۹۹

علیرضا پهلوانی راد^۱

دکتر بهناز ازدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۱۵

دکتر مهدی حسنی باقری^۳

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر مدیریت سیاسی مدیران استان سیستان و بلوچستان بر فرهنگ سیاسی مشارکتی آن‌ها انجام شده است. روش این پژوهش، از لحاظ برخورد با داده‌ها کمی، و اجرای تحقیق با روش پیمایش، و گردآوری داده‌ها نیز با ابزار پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کل مدیران سیاسی وزارت کشور شاغل در (شامل استانداری، فرمانداری‌ها، بخش‌داری‌ها و ...) استان سیستان و بلوچستان می‌باشند که بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده تعداد کل آن‌ها بالغ بر ۱۶۸ نفر می‌باشند که از کلیه آن‌ها به صورت تمام شماری اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده است. لذا حجم نمونه در این پژوهش برابر با حجم کل جامعه آماری ۱۶۸ نفر می‌باشد همانطور که ذکر شد در این پژوهش از روش تمام شماری جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. در تحقیق حاضر از نمونه‌گیری غیر تصادفی و از نوع هدفمند استفاده شده است و علت استفاده از این نوع شیوه نمونه‌گیری به خاطر تعداد جامعه آماری محدود و حجم نمونه بوده است. به منظور سنجش روایی یا اعتبار ابزار تحقیق، از اعتبار ظاهری استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری شده نیز از طریق نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج در سطح توصیفی نشان داد که مدیران استان از نظر مدیریت سیاسی در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار داشتند و در همه ابعاد مدیریت سیاسی از جمله رفتار سیاسی، ماهیت تصمیم‌گیری، ادراک از محیط و شخصیت مدیران در سطح نسبتاً بالایی قرار داشته‌اند. اما در مورد فرهنگ سیاسی مشارکتی می‌توان گفت که فرهنگ سیاسی مشارکتی مدیران استان سیستان و بلوچستان به مراتب پایین‌تر از مدیریت سیاسی آن‌ها بود و در همه ابعاد فرهنگ سیاسی مشارکتی در سطح نسبتاً متوسطی قرار داشته‌اند. بر این اساس میزان فرهنگ سیاسی مشارکتی مدیران در سطح نسبتاً متوسطی بود. نتایج پژوهش در سطح استنباطی نشان داد که بین همه ابعاد مدیریت سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی رابطه معنادار مثبت و مستقیمی وجود دارد. بر این اساس می‌توان گفت یکی از متغیرهای که موجب افزایش فرهنگ سیاسی مشارکتی آن‌ها می‌شود، مدیریت سیاسی می‌باشد.

کلیدواژه: مدیریت سیاسی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ سیاسی مشارکتی، مدیران وزارت کشور، استان سیستان و بلوچستان

یکی از موضوعاتی که امروزه در حوزه علوم سیاسی بسیار مورد توجه اندیشمندان علوم سیاسی و همچنین محققین این حوزه قرار دارد موضوع فرهنگ سیاسی^۱ است چه از منظر مطالعه و شناسایی عواملی که در ایجاد و توسعه فرهنگ سیاسی است و چه از منظر تأثیری که فرهنگ سیاسی بر سایر پدیده‌های سیاسی از جمله منازعات سیاسی، مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی، و ... به همراه دارد.

بر این اساس می‌توان گفت که یکی از موضوعات مهم در مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی موضوع رفتار سیاسی است؛ موضوعی که امروزه برای دولت‌های سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است. اهمیت این موضوع برای دولت‌های سیاسی از یک طرف به دلیل مد نظر قرار دادن موضوع مشارکت سیاسی برای سنجش مشروعیت یک دولت و از سوی دیگر به منزله عاملی برای افزایش کارآمدی یک نظام سیاسی است (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

مفهوم فرهنگ سیاسی از جمله انتزاعی‌ترین مفاهیم علوم سیاسی است و بدین خاطر، به دست دادن تعریفی اجماعی و مورد قبول عام از آن مشکل می‌باشد. بطور کلی در تعریف مفهوم فرهنگ سیاسی باید آن را به دو عنصر مؤلفه‌اش یعنی فرهنگ و سیاست تجزیه کرد و با تعریف این عناصر به تعریف فرهنگ سیاسی رسید. موضوع سیاسی در گذشته دامنه کمتری داشت و آن چه را که به اداره عمومی جامعه و حکومت مربوط می‌شد در بر می‌گرفت. اما علوم سیاسی از دهه ۱۹۶۰ با پژوهش‌های رفتارگرایان که در صدد گسترش عرصه علوم سیاسی بودند به تدریج موضوعات بیشتری را شامل شد تا اینکه در دهه ۱۹۹۰ موضوعاتی چون «جنسیت، نژاد و طبقه» را نیز دربرگرفت و از آن زمان موضوع سیاسی هم چون جنبه‌ای از کلیه روابط اجتماعی در نظر گرفته می‌شود نه صرفاً فعالیت‌هایی که در نهادهای دولت متمرکز شده است. در مباحث فرهنگی نیز بسته به نوع تلقی یا نگرش، امر سیاسی دامنه‌اش گسترده و یا محدود می‌شود. بر این اساس، گستره موضوعات سیاسی با توجه به نوع سوگیری‌های فرهنگی از سرنوشت باوری تا تساوی خواهی، سلسله مراتبی و فردگرایی تفاوت می‌کند (قیصری، ۱۳۸۸: ۹۳-۹۴).

آلموند و وربا در کتاب فرهنگ مدنی سه نوع فرهنگ سیاسی را که اساس آن مبتنی بر مشارکت است را مشخص می‌کنند: ۱- فرهنگ سیاسی محدود یا ده‌کوره^۲ - فرهنگ سیاسی تبعی یا انقیاد^۳ - فرهنگ سیاسی مشارکتی^۴. از دیدگاه آلموند و وربا هر یک از سه نوع فرهنگ سیاسی موجبات رشد سه شکل فرد سیاسی در جوامع می‌شود. فرد بی تفاوت در فرهنگ سیاسی محدود، فرد منزوی شده در فرهنگ سیاسی تبعی و شهروند متعهد در فرهنگ سیاسی مشارکتی رشد می‌یابند. شهروند متعهد خود را نسبت به نظام سیاسی متعهد می‌داند و خود را جزئی از آن تصور می‌کند، آگاهی و شناخت از سیستم و ارزیابی و ارزش‌گذاری مثبت درباره آن از ویژگی‌های این شهروند می‌باشد. فرد بی تفاوت که مختص فرهنگ سیاسی محدود است، علیرغم اینکه ممکن است در مورد نظام سیاسی آگاهی نیز داشته باشد، اما هیچ احساس تعلقی نسبت به آن ندارد. در هیچ‌یک از فرایندهای سیاسی مشارکت نکرده و هیچ ارزیابی مثبت با منفی نیز در مورد آن ندارد. فرد منزوی شده که در فرهنگ سیاسی تبعی وجود دارد، از نظام سیاسی آگاهی و شناخت دارد، اما هم، هیچ کنش فعالانه‌ای در فرایندهای سیاسی ندارد و هم ارزیابی منفی از نظام سیاسی و کارکردهای آن دارد (سریع القلم، ۱۳۹۶: ۸۸).

¹ political culture

² Parochial

³ Subject

⁴ Participant

در حوزه علوم سیاسی از آنجا که توسعه فرهنگ سیاسی در هر جامعه‌ای تأثیر زیادی بر سایر پدیده‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارد و می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل مهم در پدیده‌هایی همچون (کاهش منازعات سیاسی، افزایش مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و رشد و توسعه اقتصادی و ...) داشته باشد، موضوع توسعه فرهنگ سیاسی و شناسایی عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر آن یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد تأمل برای محققین و پژوهشگران این حوزه می‌باشد بر همین اساس نظریه‌پردازان علوم سیاسی در خصوص عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ سیاسی به عوامل و مؤلفه‌های مختلف (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ...) اشاره نموده‌اند در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی اندیشمندان، توسعه فرهنگ سیاسی را عمدتاً "به عوامل اجتماعی و فرهنگی نسبت می‌دهند و به عوامل و مؤلفه‌هایی همچون جامعه‌پذیری سیاسی، فرهنگ پذیری سیاسی، توسعه رسانه‌های اجتماعی و به‌ویژه اینترنت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، رشد مطالبه‌گری اجتماعی، فرهنگی جامعه، رشد بلوغ اجتماعی، فرهنگی و ... اشاره دارند و بر این باورند که عوامل و مؤلفه‌های ذکر شده به‌صورت کلان و ساختاری می‌توانند در توسعه فرهنگ سیاسی جامعه تأثیرگذار باشند اندیشمندان علوم سیاسی در خصوص عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ سیاسی بیشتر به مؤلفه‌ها و عوامل سیاسی اشاره دارند و در این رابطه عواملی همچون (رشد احزاب و تشکل‌های سیاسی، استقرار و تحکیم نظام مردم‌سالاری و دموکراسی، به رسمیت شناختن آزادی‌های سیاسی، افزایش مشارکت‌پذیری سیاسی، توسعه رقابت‌های سیاسی، افزایش آگاهی‌های سیاسی عمومی جامعه و ...) اشاره دارند و بر این باورند که هر یک از عوامل ذکر شده تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر توسعه فرهنگ سیاسی جوامع مختلف دارند. اما آنچه تا حد زیادی از دیدگاه اندیشمندان و محققین چه در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و یا در حوزه علوم سیاسی کمتر مورد توجه بوده تأثیر نخبگان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... بر فرآیند توسعه فرهنگ سیاسی و ابعاد مختلف آن می‌باشد و لذا به‌ندرت می‌توان مطالعه و تحقیق مستقل علمی را در خصوص تأثیر و نقش نخبگان جامعه در ابعاد مختلف (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی) در توسعه فرهنگ سیاسی در نشریات علمی داخلی و حتی خارجی جستجو و پیدا نمود که به‌صورت مستقل و ویژه به مطالعه نقش نخبگان جامعه در توسعه فرهنگ سیاسی پرداخته باشد در صورتی که امروزه به لحاظ نظری و تئوریک نخبگان جوامع نقش قابل ملاحظه و غیرقابل انکاری بر پدیده‌های مختلف سیاسی جوامع همچون (منازعات سیاسی، رقابت‌های سیاسی، مشارکت سیاسی، رشد آگاهی‌های سیاسی، رشد مطالبه‌گری سیاسی، رشد فرهنگ سیاسی، توسعه سیاسی جامعه و ...) دارند و این موضوع به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته و سنتی‌تر که به‌صورت سنتی نخبگان جامعه از پایگاه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی بیشتری برخوردار می‌باشند و نقش مهمی را در تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه بر عهده دارند از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد

با توجه به آنچه ذکر شد و با عنایت به اینکه استان سیستان و بلوچستان از جمله محروم‌ترین استان‌های کشور محسوب می‌شود که رشد و توسعه اقتصادی آن و کاهش محرومیت‌های این منطقه تا حدود بسیار زیادی منوط به رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن بخصوص رشد فرهنگی و به‌ویژه رشد و توسعه فرهنگ سیاسی افراد در این منطقه در اشکال مختلف از جمله فرهنگ سیاسی مشارکتی می‌باشد و با توجه به سنتی بودن این استان و اهمیت نقش نخبگان و مدیران از جمله مدیران سیاسی در فرآیند تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این استان از جمله در رشد و توسعه فرهنگ سیاسی مشارکتی جامعه این تحقیق به دنبال تأثیرسنجی مدیریت سیاسی در فرهنگ سیاسی مشارکتی استان سیستان و بلوچستان (مطالعه موردی مدیران وزارت کشور) در فاصله سال‌های (۱۴۰۰-۱۳۹۲) می‌باشد لذا سؤال اصلی و اساسی که این تحقیق به دنبال پاسخگویی به آن می‌باشد این است که مدیریت سیاسی استان (مطالعه موردی مدیران وزارت کشور) چه نقشی در فرهنگ سیاسی مشارکتی سیستان و بلوچستان طی

سال‌های (۱۴۰۰-۱۳۹۲) داشته‌اند؟ میزان تأثیر آنان در توسعه فرهنگ سیاسی مشارکتی این استان در هر یک از ابعاد سه گانه (احساسی، ادراکی و ارزشی) چگونه می‌باشد؟

مبانی تجربی تحقیق

رفیع (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان "فرهنگ سیاسی؛ یک بررسی مفهومی و نظری" آورده است که مفهوم فرهنگ سیاسی هرچند از مدت‌ها قبل در ادبیات سیاسی و اجتماعی غرب مورد توجه و شناسایی قرار گرفته است، اما در ادبیات سیاسی و اجتماعی ایران، با وجود تلاش‌هایی که انجام پذیرفته، چندان شناخته‌شده نیست و این در حالی است که شناخت نگرش‌های سیاسی جامعه، یکی از مسائل مهم برای برنامه ریزان سیاسی و اجتماعی و اندیشمندان کشور است که دغدغه توسعه این مسئله به‌طور کلی انجام تحقیق پیرامون موضوع فرهنگ سیاسی را ضروری می‌باشد. هدف این مقاله، بررسی مفهوم فرهنگ سیاسی و برخی موضوعات مرتبط با این پژوهش، چیستی و چگونگی روند شکل‌گیری مفهوم فرهنگ سیاسی از گذشته تا به امروز و انواع آن و نیز چگونگی ارتباط این مفهوم با مواردی چون: تحول و دگرگونی، ساختار سیاسی، و توسعه سیاسی و نیز دلایل اصلی اهمیت رهیافت فرهنگ سیاسی مورد بررسی قرار گیرند.

احمدی و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان بر پایه متغیرهای اجتماعی - فرهنگی» انجام داده‌اند. روش این پژوهش از نوع پیمایشی است که طی آن از ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های استان کردستان مصاحبه گرفته شد. با توجه به ابعاد شناختی (تکثرگرایی سیاسی) و هنجاری (درگیری عملی در سیاست) فرهنگ سیاسی، میانگین جهت‌گیری فرهنگ سیاسی دانشجویان بالا است. یافته‌ها نشان دادند ۳۳/۷۲٪ دانشجویان، فرهنگ سیاسی دمکراتیک، ۲۸٪ فرهنگ سیاسی بی تفاوت، ۲۳٪ فرهنگ سیاسی عمل‌گرا و ۱۶٪ فرهنگ سیاسی محدود دارند. همچنین، فرهنگ سیاسی با متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی، ارتباطات خانوادگی، اقتدارگرایی شخصیتی، جهت‌گیری مذهبی، سن، تحصیلات، محل اقامت و قومیت دانشجویان رابطه معناداری دارد.

نائبی و میرزایی (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان «تبیین رابطه نوع دینداری با نوع فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران)» انجام داده‌اند. روش انجام تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه به صورت مصاحبه بسته بوده است. جمعیت آماری تحقیق، مردم شهر تهران بوده است. تعداد ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری احتمالی از ۶۰ بلوک تصادفی از مناطق ۲۲ گانه تهران انتخاب شدند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از میانگین، جدول توزیع فراوانی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است. نتایج تحقیق فرضیات تحقیق را تأیید کرد. بر اساس نتایج تحقیق نوع قرائت و فهم از دین و فرهنگ سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین رابطه نوع دینداری با نوع فرهنگ سیاسی دارد.

میرزائی تبار و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان «تبیین رابطه فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی؛ مطالعه موردی: شهرستان ممسنی» انجام داده‌اند. فرضیه پژوهش نیز این است که بین دو متغیر فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی ارتباط معناداری وجود داشته و فرهنگ سیاسی طایفه‌ای نقش کلیدی در توسعه نیافتگی اقتصادی شهرستان ممسنی دارد؛ به عبارتی نتایج پژوهش گویای این است که به دلیل وجود فرهنگ سیاسی محدود- مشارکتی و طایفه‌ای، ریسک‌پذیری اقتصاد و عملکرد نامطلوب کارگزاران در ممسنی، توسعه نیافتگی اقتصادی به فرهنگ سیاسی مرتبط است.

عابدی اردکانی (۱۳۹۳)، پژوهشی با عنوان «توسعه نیافتگی سیاسی از منظر فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸)» انجام داده است. هدف اصلی پژوهش حاضر، مشخص کردن رابطه میان فرهنگ سیاسی نخبگان در این سه دوره با توسعه نیافتگی سیاسی بر اساس الگوی نظری از قبل تعیین شده است. دستیابی به این هدف، مستلزم آزمون این فرضیه است که "عدم

تمایل نخبگان سیاسی به گسترش مشارکت و رقابت در سیاست و وجود اختلاف و شکاف در میان آن‌ها در دولت‌های هاشمی، خاتمی و رفسنجانی، که بیانگر نوعی فرهنگ سیاسی تابعیتی و منازعه‌گرا به جای فرهنگ سیاسی مشارکتی و وفاق‌گراست، یکی از عوامل اصلی و جدی توسعه نیافتگی سیاسی بوده است.

فلاحی سیف‌الدین و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی با عنوان «بررسی ریشه‌های توسعه نیافتگی سیاسی در استان لرستان» انجام داده‌اند. لرستان به عنوان بخشی از سرزمین ایران، با اینکه در متن سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن قرار دارد، اما از بعد توسعه سیاسی در سطوح پایان‌تری نسبت به دیگر نواحی و استان‌ها قرار دارد و راه طولانی‌تری را جهت رسیدن به توسعه سیاسی مطلوب پیش روی دارد. این توسعه نیافتگی سیاسی، دیگر ابعاد توسعه را نیز تحت تأثیر قرار داده است و بطور کلی چهره چندان مطلوبی را از این جهت نشان نمی‌دهد. لذا این نوشتار سعی دارد تا با گردآوری اطلاعات و داده‌ها از طریق کتابخانه‌ای و اسنادی و بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی این مساله، یعنی ریشه‌های کمتر توسعه یافتگی سیاسی استان لرستان را مورد بررسی قرار دهد. از حیث تاریخی، نقطه عزیمت پژوهش پیش روی دوره قاجاریه خواهد بود. به نظر می‌رسد بسیاری از پارامترهای بازدارنده توسعه سیاسی لرستان در این دوره نضج یا قوام یافته و در دوره‌های بعد بازتولید شده است.

امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان «سنجش رابطه فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان» انجام داده‌اند. این مطالعه بر ۳۸۴ نفر از دختران دانشجوی شهر اصفهان انجام شده است. نتایج تحقیق رابطه معناداری بین ابعاد فرهنگ سیاسی (شامل سمت‌گیری‌های شناختی، سمت‌گیری‌های احساسی، و سمت‌گیری‌های ارزیابانه) و ابعاد رفتار سیاسی (شامل رفتار رأی‌دادن و فعالیت‌های سیاسی انتخاباتی)، و رفتارهای سیاسی غیر انتخاباتی (شامل تماس با مسئولان، اعتراض و عضویت در گروه‌های سیاسی)، نشان می‌دهد.

سجاسی قدراری و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان «نقش طایفه‌گرایی در توسعه نیافتگی سیاسی» انجام داده‌اند. سؤال اصلی این بوده است که آیا طایفه‌گرایی تأثیری در توسعه نیافتگی سیاسی شهرستان نورآباد ممسنی دارد؟ برای پاسخگویی به این سؤال از روش‌شناسی توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به تبیین رابطه دو متغیر طایفه‌گرایی به مثابه متغیر مستقل و توسعه نیافتگی سیاسی به عنوان متغیر وابسته پرداخته شده است که نتایج نشان دهنده این است که طایفه‌گرایی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل کلیدی در توسعه نیافتگی سیاسی شهرستان نورآباد ممسنی نقش داشته باشد.

احمدی و همکاران (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «شاخص‌های توسعه انسانی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک (تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای استان‌های ایران)» انجام داده‌اند. نتایج حاکی از ارتباط معنی‌دار میان وضعیت شاخص توسعه انسانی (HDI) و زیرمجموعه‌های آن یعنی درآمد سرانه، امید به زندگی و سطح آموزش با ارزش‌های رهایی‌بخش یعنی نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی است. یافته‌ها همچنین نشان از آن دارند که شاخص توسعه انسانی به تنهایی بیش از ۲۸.۲ درصد از واریانس گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی در استان‌های ایران را تبیین می‌کند.

رضایی و همکاران (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان «موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران و ارائه راهکارهای مدیریتی در این حوزه» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین خودمداری و پنهانکاری با توسعه سیاسی افراد وجود دارد. و برای متغیرهای سنت‌گرایی و ثبات‌جویی رابطه معناداری با توسعه سیاسی افراد یافت نشد و این دو فرضیه رد گردید. همچنین از بین فرضیه‌های جمعیت‌شناختی پژوهش شامل متغیرهای جنسیت، درآمد اقتصادی، مالکیت مسکن، پایگاه اجتماعی، قومیت، محل تولد (شهر یا روستا) و سن، فقط متغیر رابطه جنسیت با توسعه سیاسی تأیید نگردید. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که دانشجویان بدون تأثیر عوامل سنتی خواهان تغییر هستند از سوی دیگر خودمداری و پنهانکاری از موانع اصلی توسعه سیاسی افراد

سیاسی را همچنین می‌توان در نوشته‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی کسانی مانند ساموئل بوراندر، آدام اوالم، روت بندیکت، مارگارت مید، آبرام کاردینر، رالف لیتتون و... دنبال کرد که در زمینه فرهنگ و شخصیت کارکرده‌اند (ابوطالبی، ۱۳۸۴: ۱۱).

فرهنگ سیاسی از دیدگاه صاحب نظران و محققان به گونه‌های متنوعی مطرح و ارائه شده است. به عنوان مثال، می‌توان به گونه‌های فرهنگ سیاسی تعریف‌شده از سوی گابریل آلموند (محدود، تبعی، مشارکتی)، والتر روزنهام (مدنی، غیر دینی، ایدئولوژیک، همگن، چندپاره)، دانیل الازار (فردگرا، اخلاق گرا، سنتی)، محمود سریع القلم (قبیله‌ای و عشیره‌ای)، سمیح فارسون و مهرداد مشایخی (اسلام گرا، آزادی خواه و جامعه گرا) اشاره کرد (جلالی راد و سپهرنیا، ۱۳۹۶: ۱۳۷).

نکته‌ای که باید متذکر شد آن است که، برای طبقه‌بندی فرهنگ سیاسی باید به مجموعه شرایط محیطی و نظام سیاسی توجه کرد. ترکیب شرایط مختلف، فرهنگ‌های سیاسی متفاوتی را درست می‌کند؛ شاید به همین دلیل، پژوهشگران، فرهنگ سیاسی را به صورت‌های مختلف طبقه‌بندی کرده‌اند.

فرهنگ سیاسی، برخاسته از فرهنگ یک جامعه است که در فرایند اجتماعی شدن، بازتولید می‌شود یا امکان تغییر پیدا می‌کند. فرهنگ سیاسی دربرگیرنده طیف وسیعی از خصلت‌های بشری است که رنگی سیاسی به خود گرفته است. این خصلت‌ها که اجزای تشکیل‌دهنده فرهنگ سیاسی به شمار می‌روند، عبارت‌اند از: تلقیات، عقاید، احساسات و عواطف، ارزش‌ها، جهت‌گیری‌ها و بالاخره رفتارها در یک جامعه سیاسی. این مفهوم عام از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

در نگاه آلموند، فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از منش‌ها، اعتقادات و احساسات یک ملت نسبت به سیاست در زمانی مشخص است. این فرهنگ سیاسی را تاریخ آن ملت از طریق فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و عمل سیاسی مداوم شکل می‌دهد. آن الگوهای منشی که در تجربه گذشته شکل گرفته‌اند، تأثیر اجبار کننده پراهمیتی بر رفتار سیاسی آینده دارند. به عبارتی فرهنگ سیاسی بر رفتار افراد در ایفای نقش سیاسی، بر محتوای تقاضای سیاسی آن‌ها و واکنش آن‌ها نسبت به قوانین تأثیر می‌گذارد (نادمی، ۱۳۹۰: ۱۵).

آلموند در ارزیابی سطح فرهنگ سیاسی جامعه معین، چهار ضابطه را یادآور شده است:

- ۱- فرد چه شناختی در مورد ملت، نظام سیاسی به مفهوم کلی آن و چه شناختی از تاریخ آن، اندازه، موقعیت، قدرت، خصوصیات قانون اساسی و مانند آن دارد؟ احساساتش نسبت به نظم اجتماعی چیست؟
- ۲- از ساخت‌ها و نقش‌های نخبگان سیاسی مختلف و خط مشی‌های سیاسی پیشنهادی که در جریان رو به بالای خط مشی سازی وجود دارد، چه شناختی دارد؟ احساسات و عقایدش در مورد این ساخت‌ها، رهبران و خط مشی‌های سیاسی پیشنهادی چیست؟
- ۳- درباره جریان رو به پایین اجرای خط مشی، ساخت‌ها، افراد و تصمیمات مربوط به این روندها چه شناختی دارد؟ احساسات و عقایدش درباره آن‌ها چیست؟
- ۴- چگونه خود را به عنوان عضوی از نظام سیاسی تصور می‌کند؟ در مورد حقوق، قدرت‌ها، تعهدات و استراتژی‌های مربوط به دسترسی به نقطه نفوذ چه شناختی دارد؟ و درباره قابلیت‌هایش چگونه فکر می‌کند؟ (عابدی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

آلموند سه مدل از فرهنگ سیاسی را عرضه می‌کند که در ادامه ذکر می‌شوند (به نقل از نادمی، ۱۳۹۰: ۱۵):

- ۱- فرهنگ سیاسی جوامعی که افرادش در محدوده مناسبات سنتی تابع تصمیم‌گیری‌های سران و رهبران هستند.

۲- فرهنگ سیاسی جوامعی که افراش تا آن حد مشارکت داده می‌شوند که در معرض سیاست‌گذاری قرار می‌گیرند.

۳- فرهنگ سیاسی جوامعی که افراش مشارکت فعال دارند تا آنجا که حتی بر سیاست‌گذاری‌ها اثر می‌گذارند

آلموند بیان می‌کند که رویکرد فرهنگ سیاسی، با رویکرد نهادهای حقوقی، در این معنا تفاوت دارد که رویکرد نهادهای حقوقی بر ساختار حقوقی نهادهای سیاسی و روند تصمیم‌گیری مطابق با قانون اساسی تأکید دارد، در حالی که رویکرد فرهنگ سیاسی گامی پیش‌تر می‌نهد و بر فراسوی نهادهای رسمی سازمان سیاسی تأکید می‌کند. او همچنین بیان می‌کند که باید نقش پیوندهای خانوادگی، نقش توده‌ها، انتخاب‌کنندگان، گروه‌بندی‌های سببی و پایدار و همه کانون‌های قدرت و نفوذ در روند سیاسی و... به حساب آورده شود (عالم، ۱۳۷۴: ۱۵۲۸).

سیدنی وربا از محققان و پیشگامان حوزه مطالعات فرهنگ سیاسی در بحث از فرهنگ سیاسی و رابطه آن با کنش و رفتار سیاسی، فرهنگ سیاسی را نظام باورهای تجربه‌پذیر، نهادها و ارزش‌هایی می‌داند که پایه و مبنای کنش سیاسی است. او به پیروی از آلموند، بر این عقیده است که فرهنگ سیاسی می‌خواهد بین تجزیه و تحلیل خرد (جنبه‌های روان‌شناختی رفتار سیاسی فرد) و تجزیه و تحلیل کلان (جامعه‌شناسی سیاسی) پل بزند (هنری لطیف پور، ۱۳۸۰: ۲۷). وربا بیان می‌کند که فرهنگ سیاسی ماهیتاً شامل نظامی از باورهای تجربی، نشانه‌های بیانی و عاطفی و ارزش‌ها است که شرایطی را که عمل سیاسی در آن رخ می‌دهد، مشخص می‌کند (عابدینی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۴۳). سیدنی وربا فرهنگ سیاسی را چنین تعریف می‌کند: فرهنگ سیاسی عبارت است از نظام باورهای تجربه‌پذیر، نمادها و ارزش‌هایی که پایه کنش سیاسی است (به نقل از رزاقی، ۱۳۷۵: ۱۵۴). او می‌گوید که فرهنگ سیاسی می‌خواهد بین تجزیه و تحلیل فرد، یعنی جنبه‌های روان‌شناختی رفتار سیاسی فرد و تجزیه و تحلیل کلان، یعنی جامعه‌شناسی سیاسی، پل بزند. فرهنگ سیاسی می‌کوشد تجزیه و تحلیل رفتاری را در بررسی مفهوم‌های مهم سیاسی مثل ایدئولوژی سیاسی، حاکمیت، مشروعیت، ملیت و حکومت به کار گیرد (جلالی راد و سپهرنیا، ۱۳۹۶: ۱۳۷).

رابرت دال فرهنگ سیاسی را عامل مهم تعیین‌کننده الگوهای متفاوت سیاسی می‌داند. وی با بهره‌گیری از رویکرد فرهنگ سیاسی، جنبه‌هایی از ذهن و روان جوامع سیاسی را در نظر می‌گیرد و به کمک این رویکرد، الگوهای مختلف مخالفت سیاسی را در چهار جهت تبیین می‌کند:

۱- جهت‌گیری نسبت به سیستم سیاسی: دل‌بستگی در برابر احساس غربت؛

۲- جهت‌گیری نسبت به عمل جمعی: همکاری در برابر فقدان همکاری؛

۳- جهت‌گیری نسبت به دیگران: اعتماد در برابر بی‌اعتمادی؛

۴- جهت‌گیری نسبت به حل مسائل: عمل‌گرایی در برابر تعصب عقیدتی (نادمی، ۱۳۹۰: ۱۶).

فرضیات تحقیق

به نظر می‌رسد مدیریت سیاسی استان سیستان و بلوچستان (مطالعه موردی مدیران وزارت کشور) طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۲ تأثیر مثبت و مؤثری در فرهنگ سیاسی مشارکتی (شاخص کل) داشته‌اند.

به نظر می‌رسد مدیریت سیاسی استان سیستان و بلوچستان (مطالعه موردی مدیران وزارت کشور) طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۲ تأثیر مثبت و مؤثری در فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد شناختی داشته‌اند.

به نظر می‌رسد مدیریت سیاسی استان سیستان و بلوچستان (مطالعه موردی مدیران وزارت کشور) طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۲ تأثیر مثبت و مؤثری در فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد ادراکی داشته‌اند.

به نظر می‌رسد مدیریت سیاسی استان سیستان و بلوچستان (مطالعه موردی مدیران وزارت کشور) طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۲ تأثیر مثبت و مؤثری در فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد ارزشی داشته‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق از نوع پیمایش مقطعی هست. پیمایش عبارت از جمع‌آوری اطلاعاتی است که با طرح و نقشه و به‌عنوان راهنمای عملی توصیف یا پیش‌بینی و یا به منظور تجزیه و تحلیل روابط بین برخی متغیرها، صورت می‌پذیرد. متغیر وابسته و برخی از متغیرهای مستقل بر اساس طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته‌اند. به منظور تحلیل اولیه داده‌ها از نرم‌افزار Spss22 استفاده شده است.

جامعه آماری در این پژوهش شامل کل مدیران سیاسی وزارت کشور شاغل در (شامل استانداری، فرمانداری‌ها، بخش‌داری‌ها و ...) استان سیستان و بلوچستان می‌باشند که بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده تعداد کل آن‌ها بالغ بر ۱۶۸ نفر می‌باشند که از کلیه آن‌ها به صورت تمام شماری اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده است. لذا حجم نمونه در این پژوهش برابر با حجم کل جامعه آماری ۱۶۸ نفر می‌باشد همانطور که ذکر شد در این پژوهش از روش تمام شماری جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. در تحقیق حاضر از نمونه‌گیری غیر تصادفی و از نوع هدفمند استفاده شده است و علت استفاده از این نوع شیوه نمونه‌گیری به خاطر تعداد جامعه آماری محدود و حجم نمونه بوده است. به منظور سنجش روایی یا اعتبار ابزار تحقیق، از اعتبار ظاهری^۵ استفاده شد. در این زمینه پرسشنامه به صاحب نظران داده شد تا نظرات خود را در مورد سؤالات مطرح نمایند و پس از دریافت نظر آن‌ها نسبت به اصلاح سؤالات و گویه‌ها اقدام گردید سپس پرسشنامه مورد نظر در یک نمونه ۳۰ نفری تکمیل شد و گویه‌های که نامفهوم و برای پاسخگویان ابهام داشت در متن نهایی پرسشنامه حذف گردیدند. و به منظور سنجش پایایی پرسشنامه برای تعیین قدرت تبیین‌کنندگی گویه‌ها از الفای کرونباخ استفاده شده است و همه شاخص‌ها از الفای بالای برخوردار بودند.

تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر مدیریت سیاسی

برای سنجش مدیریت سیاسی از شاخص‌های مثل رفتار سیاسی، ماهیت تصمیم‌گیری سیاسی، ادراک از محیط و شخصیت مدیران استفاده شده است.

۱- رفتار سیاسی

رفتارهای سیاسی مدیران به عنوان رفتارهای داوطلبانه شناسایی می‌شوند که هنجارهای مهم سازمان را نقض کرده و همچنین تهدیدی برای سازمان، اعضای آن و یا هر دو تعریف می‌شوند (صلاحی پور بیدگلی و قجری، ۱۳۹۷). این متغیر از طریق سازه‌های های درجه سیاسی بودن، درجه قدرت چانه زنی، تصمیم‌گیری در راستای منافع جناحی، تصمیمات مدیران در رابطه با تخصیص اعتبارات و بودجه، اهمیت دادن به منافع جناحی و محافظت از اطلاعات محرمانه سازمان با توجه به پرسشنامه البانا و همکاران (۲۰۱۴) در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت قابل اندازه‌گیری است.

۲- ماهیت تصمیم‌گیری:

تصمیم‌گیری فراگردی است که طی آن شیوه عمل خاصی برای حل مسئله با مشکل ویژه برگزیده می‌شود. تصمیم‌گیری صرفاً عمل‌گزینش میان راه‌حل‌های جایگزین با بدیل‌های موجودی است که در موردشان یقین و قطعیت نداریم (پوریان، ۱۳۹۶). این متغیر از طریق سازه‌های تلقی نمودن عواقب جدی در سازمان، تأخیر در تصمیم‌گیری، اقدامات سازمانی، پیامدهای تصمیمات دولتی، آزادی عمل، تصمیم‌گیری در رابطه با مسائل عمده، محدودیت در تصمیم‌گیری و نتیجه‌گیری در رابطه با تصمیمات پیچیده با توجه به پرسشنامه البانا و همکاران (۲۰۱۴) در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت قابل اندازه‌گیری است.

۳- ادراک از محیط:

5: face validity

- ارزیابی و قضاوت صحیح و بیشتر مثبت از نظام به عنوان یک کل، تکالیف، تصمیمات، خط مشی‌ها، و مجریان آن (بروندادها)، حقوق، مطالبات و حمایت‌های سیاسی، احزاب اپوزسیون و گروه‌های فشار (دروندادها)، نقش، جایگاه، توانمندی‌ها و محدودیت‌های خود همچون یک بازیگر
- رضایتمندی از نظام به عنوان یک کل، حقوق، مطالبات و حمایت‌های سیاسی و مجریان آن (دروندادها)، تکالیف، تصمیمات و خط مشی‌های سیاسی و مجریان آن (بروندادها)، نقش، جایگاه، توانمندی‌ها و محدودیت‌های خود همچون یک بازیگر سیاسی - احساس اعتماد به نظام، ساختار سیاسی، نخبگان و نهادهای سیاسی، نخبگان غیرحاکمیتی، احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ و مطالبات آن‌ها (دروندادها)، تصمیمات، خط مشی‌ها و مجریان آن (بروندادها)
- افراد به نظام دموکراسی، اصول و موازین آن معتقدند و به آن احترام می‌گذارند و نظام خویش را چنین می‌پندارند
- مشارکت فعال سیاسی هم در جریان رو به بالا و هم در جریان رو به پایین سیاست‌ها

یافته‌های توصیفی

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان در گروه سنی ۴۵ تا ۴۰ قرار دارند و میانگین سنی آنان ۴۲ سال است. از کل پاسخگویان ۶۸ درصد مرد، ۳۲ درصد زن هستند. به لحاظ تحصیلات، ۷۱ درصد پاسخگویان دارای مدرک لیسانس هستند، ۲۵ درصد فوق‌لیسانس و ۴ درصد از پاسخگویان دارای مدرک دکتری هستند. از نظر درآمد اکثریت پاسخگویان در گروه درآمدی بین ۸ هزار تا ۱۰ میلیون تومان قرار داشتند. همچنین از نظر قومیت، ۶۴ درصد از پاسخگویان سیستانی و ۳۶ درصد هم بلوچ بودند. جدول زیر میزان گرایش به مدیریت سیاسی مدیران را نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود در همه ابعاد مدیران استان از نظر مدیریت سیاسی در وضعیت مطلوبی قرار دارند. از بین ابعاد مدیریت سیاسی، بعد ماهیت تصمیم‌گیری مدیران با ۷۷/۵ درصد از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار هست. میزان هر کدام از این ابعاد به تفکیک در جدول زیر شرح داده شده‌اند.

جدول شماره (۱). توزیع پاسخگویان با توجه به میزان مدیریت سیاسی به تفکیک ابعاد

متغیر	میزان گرایش	زیاد	متوسط	کم
رفتار سیاسی		٪۶۸/۵۰	٪۲۴/۵۰	٪۲/۰۰
ماهیت تصمیم‌گیری		٪۷۷/۵۰	٪۱۵/۵۰	٪۷/۰۰
ادراک از محیط		٪۶۱/۷۵	٪۳۲/۰۰	٪۶/۲۵
شخصیت مدیران		٪۴۷/۲۵	٪۳۶/۰۰	٪۱۶/۷۵

جدول زیر میزان گرایش به فرهنگ سیاسی مشارکتی مدیران استان سیستان و بلوچستان به تفکیک ابعاد را نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود در همه ابعاد فرهنگ سیاسی مشارکتی اعم از بعد شناختی، بعد ادراکی، بعد ارزشی، مدیران استان از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشند و در همه ابعاد در سطح متوسطی قرار دارند و میزان فرهنگ سیاسی مدیران استان در همه ابعاد در حد متوسط می‌باشد. در بعد شناختی ۱۹ درصد در سطح بالا قرار داشتند، ۶۹/۷۵ درصد در سطح متوسط و ۱۱/۲۵ درصد در سطح پایینی قرار داشتند. در بعد ادراکی ۲۱/۵ درصد در سطح بالا قرار داشتند، ۶۴/۲۵ درصد در سطح متوسط و ۱۴/۲۵ درصد در سطح پایینی قرار داشتند. در بعد ارزشی ۲۶ درصد در سطح بالا قرار داشتند، ۶۶/۰۰ درصد در سطح متوسط و ۸/۰۰ درصد در

سطح پایینی قرار داشتند. بر این اساس می‌توان گفت که میزان فرهنگ سیاسی مشارکتی مدیران استان سیستان و بلوچستان در سطح متوسطی می‌باشد.

جدول شماره (۲). توزیع پاسخگویان برحسب میزان فرهنگ سیاسی به تفکیک ابعاد

متغیر	میزان گرایش	زیاد	متوسط	کم
فرهنگ سیاسی مشارکتی بعد شناختی		٪۱۹/۰۰	٪۶۹/۷۵	٪۱۱/۲۵
فرهنگ سیاسی مشارکتی بعد ادراکی		٪۲۱/۵۰	٪۶۴/۲۵	٪۱۴/۲۵
فرهنگ سیاسی مشارکتی بعد ارزشی		٪۲۶/۰۰	٪۶۶/۰۰	٪۸/۰۰

یافته‌های استنباطی

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد مدیریت سیاسی استان سیستان و بلوچستان (مطالعه موردی مدیران وزارت کشور) طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۲ تأثیر مثبت و مؤثری در فرهنگ سیاسی مشارکتی (شاخص کل) داشته‌اند.

جدول (۳): رابطه بین میزان مدیریت سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی (شاخص کل)

متغیر	فرهنگ سیاسی مشارکتی (شاخص کل)	
	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
رفتار سیاسی	۰/۱۸۶	۰/۰۰۱
ماهیت تصمیم‌گیری	۰/۲۱۹	۰/۰۰۱
ادراک از محیط	۰/۱۸۳	۰/۰۰۱
شخصیت مدیران	۰/۲۰۴	۰/۰۰۱

جدول شماره (۳) نشان دهنده رابطه بین ابعاد مدیریت سیاسی و فرهنگ سیاسی مشارکتی (شاخص کل) می‌باشد. نتایج به دست آمده از جدول فوق بیانگر این است که رابطه معنادار مثبتی بین همه ابعاد مدیریت سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی (شاخص کل) وجود دارد و همه این رابطه‌ها در سطح ۰/۰۰۱ معنادار هستند. میزان رابطه نشان می‌دهد که ماهیت تصمیم‌گیری (۲=۰/۲۱۹) در سطح بالاتری قرار دارد و شدت رابطه بین ماهیت تصمیم‌گیری مدیران با فرهنگ سیاسی مشارکتی مدیران در سطح بالاتری است. جهت رابطه نشان می‌دهد که رابطه بین ابعاد مدیریت سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی (شاخص کل) رابطه مثبت و مستقیمی می‌باشد، یعنی با افزایش میزان مدیریت سیاسی در ابعادی همانند رفتار سیاسی، ماهیت تصمیم‌گیری، ادراک از محیط و شخصیت مدیران میزان فرهنگ سیاسی مشارکتی مدیران نیز افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد مدیریت سیاسی استان سیستان و بلوچستان (مطالعه موردی مدیران وزارت کشور) طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۲ تأثیر مثبت و مؤثری در فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد شناختی داشته‌اند.

جدول (۴): رابطه بین میزان مدیریت سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد شناختی

فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد شناختی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
رفتار سیاسی	۰/۱۶۱	۰/۰۰۶
ماهیت تصمیم گیری	۰/۲۵۴	۰/۰۰۱
ادراک از محیط	۰/۰۹۶	۰/۰۱۱
شخصیت مدیران	۰/۱۷۶	۰/۰۰۱

جدول شماره (۴) نشان دهنده رابطه بین ابعاد مدیریت سیاسی و فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد شناختی می باشد. نتایج به دست آمده از جدول فوق بیانگر این است که رابطه معنادار مثبتی بین همه ابعاد مدیریت سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد شناختی وجود دارد. میزان رابطه نشان می دهد که ماهیت تصمیم گیری ($r=0/254$) در سطح بالاتری قرار دارد و شدت رابطه بین ماهیت تصمیم گیری مدیران با فرهنگ سیاسی مشارکتی مدیران در بعد شناختی در سطح بالاتری هست. جهت رابطه نشان می دهد که رابطه بین ابعاد مدیریت سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد شناختی رابطه مثبت و مستقیمی می باشد، یعنی با افزایش میزان مدیریت سیاسی در ابعادی همانند رفتار سیاسی، ماهیت تصمیم گیری، ادراک از محیط و شخصیت مدیران میزان فرهنگ سیاسی مشارکتی مدیران در بعد شناختی نیز افزایش پیدا می کند.

فرضیه ۳: به نظر می رسد مدیریت سیاسی استان سیستان و بلوچستان (مطالعه موردی مدیران وزارت کشور) طی سالهای ۱۴۰۰-۱۳۹۲ تأثیر مثبت و مؤثری در فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد ارزشی داشته اند.

جدول (۵): رابطه بین میزان مدیریت سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد ارزشی

متغیر	فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد ارزشی	
	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
رفتار سیاسی	۰/۱۷۴	۰/۰۰۱
ماهیت تصمیم گیری	۰/۱۱۶	۰/۰۰۷
ادراک از محیط	۰/۱۴۷	۰/۰۰۳
شخصیت مدیران	۰/۲۸۴	۰/۰۰۱

جدول شماره (۵) نشان دهنده رابطه بین ابعاد مدیریت سیاسی و فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد ارزشی می باشد. نتایج به دست آمده از جدول فوق بیانگر این است که رابطه معنادار مثبتی بین همه ابعاد مدیریت سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد ارزشی وجود دارد. میزان رابطه نشان می دهد که بعد شخصیت مدیران ($r=0/284$) در سطح بالاتری قرار دارد و شدت رابطه بین ماهیت شخصیت مدیران با فرهنگ سیاسی مشارکتی مدیران در بعد ارزشی در سطح بالاتری هست. جهت رابطه نشان می دهد که رابطه بین ابعاد مدیریت سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد ارزشی رابطه مثبت و مستقیمی می باشد، یعنی با افزایش میزان مدیریت سیاسی در ابعادی همانند رفتار سیاسی، ماهیت تصمیم گیری، ادراک از محیط و شخصیت مدیران میزان فرهنگ سیاسی مشارکتی مدیران در بعد ارزشی نیز افزایش پیدا می کند.

فرضیه ۴: به نظر می رسد مدیریت سیاسی استان سیستان و بلوچستان (مطالعه موردی مدیران وزارت کشور) طی سالهای ۱۴۰۰-۱۳۹۲ تأثیر مثبت و مؤثری در فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد ادراکی داشته اند.

جدول (۶): رابطه بین میزان مدیریت سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی در بعد ادراکی

گیری مدیران اگر منطبق با محیط سازمان باشد، مدیر و تصمیمات اتخاذ شده مدیر با موفقیت بیشتری روبرو می‌شوند و به تبع آن فرهنگ سیاسی مشارکتی مدیر نیز ارتقا پیدا می‌کند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین بعد ادراک از محیط و فرهنگ سیاسی مشارکتی اعم از شاخص کل و سه بعد شناختی، ارزشی و ادراکی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. در این مورد می‌توان گفت که محیط سازمان نیز نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری استراتژیک یک سازمان برای مشارکت در همکاری بین سازمانی در زمینه نوآوری ایفا می‌کند. در زمان کنونی سازمان‌ها به صورت فراینده‌ای با محیط پویا روبرو هستند و مدیرانی که شناخت و ادراک سطح بالاتری از محیط داشته باشند، موفقیت خود را تضمین می‌کند. بر همین مبنا می‌توان گفت که مدیرانی که سطح بالاتری از شناخت نسبت به محیط دست پیدا کند از سطح بالاتری از فرهنگ سیاسی مشارکتی نیز برخوردار می‌شوند.

یکی از مهمترین مسائل انگیزشی که امروزه با حجم گسترده‌تری مورد توجه مطالعات مدیریت منابع و رفتار سازمانی قرار گرفته است و در بهره‌وری انسانی تاثیرگذار می‌باشد، مساله عملکرد مناسب شغلی و عوامل پیش‌بینی‌کننده مؤثر بر آن از جمله ویژگی‌های شخصیتی و تفاوت‌های فردی مدیران می‌باشد. از جمله عواملی که باعث افزایش عملکرد شغلی می‌باشد، شخصیت مدیران می‌باشد. سازش و هماهنگی بین شخصیت و نوع محیط باعث سازگاری بیشتر فرد با شغل و حرفه می‌گردد و به نوبه خود به عملکرد شغلی مثبت منجر می‌شود. نتایج پژوهش نیز همین موضوع را مورد تأیید قرار دادند و نتایج نشان داد که بین بعد شخصیت مدیران و فرهنگ سیاسی مشارکتی اعم از شاخص کل و سه بعد شناختی، ارزشی و ادراکی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد و با افزایش و ارتقای شخصیت مدیران، میزان فرهنگ سیاسی مشارکتی آن‌ها نیز ارتقا پیدا می‌کند.

همچنین می‌توان گفت که مدیران با برخورداری از نگرش کارکردگرایانه و سازنده نسبت به رفتارهای سیاسی، می‌توانند امکان تبدیل تهدیدهای سازمان را به فرصت فراهم سازند. به عبارت دیگر نگرش مثبت مدیران به مقوله رفتارهای سیاسی ممکن هست در تبدیل نقش‌های منفی آن سازمان به سوی سازندگی و بهینه‌سازی امور سازمانی نقشی کاملاً کارساز ایفا می‌کند. نتایج پژوهش در این رابطه نیز نشان داد که بین بعد رفتار سیاسی مدیران و فرهنگ سیاسی مشارکتی اعم از شاخص کل و سه بعد شناختی، ارزشی و ادراکی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد و اگر رفتار سیاسی مدیران ارتقا پیدا کند، فرهنگ سیاسی مشارکتی آن‌ها نیز بهبود پیدا می‌کند و موجب افزایش فرهنگ سیاسی مدیران می‌شود.

با توجه به نتایج پژوهش و نظریه آلموند و وربا در مورد فرهنگ سیاسی می‌توان گفت که آلموند و وربا اعتقاد دارند که فرهنگ سیاسی ماهیتاً شامل نظامی از باورهای تجربی، نشانه‌های بیانی و عاطفی و ارزش‌ها است که شرایطی را که عمل سیاسی در آن رخ می‌دهد، مشخص می‌کند، بر این اساس فرهنگ سیاسی به صورت عام و فرهنگ سیاسی مشارکتی از نظام باورهای تجربه‌پذیر، نمادها و ارزش‌هایی که پایه‌کنش سیاسی است. بر این اساس می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد که نتایج پژوهش همراستا با این نظریه می‌باشد و مدیریت سیاسی و کنش سیاسی مدیران تأثیر مستقیمی بر میزان فرهنگ سیاسی آن‌ها دارد و در صورتی که تمایل داشته باشیم میزان فرهنگ سیاسی مدیریت ارتقا پیدا کند باید همزمان بر نوع مدیریت سیاسی این مدیران نیز برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داد و یکی از راهکارهایی که می‌توان فرهنگ سیاسی مشارکتی را در مدیران نهادینه کرد، همین متغیر یعنی مدیریت سیاسی می‌باشد.

با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت که یکی از الزامات خدمات دولتی که مدیران دولتی باید حساسی بسیار بالایی در مورد آن داشته باشند، اثربخشی، کارایی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بودن آن‌ها هست و این مدیران منتخب باید تعهد و وفاداری نیز داشته باشند. اما این تعهد و وفاداری مدیران به معنای تبعیت کورکورانه تصمیمات و سیاست‌های دولتی نیست، بلکه در مواقع

لزوم مدیران دولتی باید دیدگاه‌ها و نظرات غیرمغرضانه خود را نسبت به سیاست‌های اجرایی و نحوه اجرا امور ابراز نمایند. بر این اساس می‌توان گفت که اگر مدیران سیاسی از نوع مدیریت سیاسی مطلوبی برخوردار باشند و ماهیت تصمیم‌گیری آن‌ها منطبق با محیط سازمان و ادراک مناسبی از محیط کاری و پیرامون داشته باشند، می‌تواند موجب افزایش فرهنگ سیاسی مشارکتی آن‌ها در همه ابعاد شود و این مدیران می‌تواند تصمیمات بسیار مناسب و منطقی با محیط داشته باشند و رضایت و مشارکت عامه مردم را نیز همراه خود کنند. بر این اساس یکی از حلقه‌های مفقوده مدیران سیاسی، مدیریت سیاسی مطلوب آن‌ها که به تبع موجب افزایش فرهنگ سیاسی مشارکتی آن‌ها نیز می‌شود، می‌باشد.

منابع

- ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۴). نقش فرهنگ سیاسی شیعه در انقلاب اسلامی، فصلنامه معرفت، شماره ۹۸.
- احمدی، یعقوب، محمدزاده، حسین و مجیدی، ابوبکر (۱۳۹۷). گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان برپایه متغیرهای اجتماعی - فرهنگی، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و نهم، شماره ۶۹، صص: ۱۲۸-۱۰۷.
- احمدی، یعقوب، ربانی خوراسگانی، رسول و نمکی، آزاد (۱۳۹۱)، شاخص‌های توسعه انسانی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک (تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای استان‌های ایران)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ششم، شماره ۱.
- امام جمعه زاده، سیدجواد، ابراهیمی پور، حورا، رهبرقاضی، محمودرضا و نوعی باغبان، سیدمرتضی (۱۳۹۲)، سنجش رابطه فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره یازدهم، شماره ۱، صص: ۱۳۴-۱۱۹.
- پوریان، محمد تقی. (۱۳۹۶). نقد نظریه انتخاب عقلانی در تصمیم‌گیری سیاست‌های راهبردی. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶(۲۳) (پیاپی ۵۳)، ۲۰۹-۲۲۷.
- جلالی راد، محمدصادق، سپهرنیا، رزیتا. (۱۳۹۶). شاخص‌های فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران در بعد کلان از دیدگاه نخبگان. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۷(۲۳)، ۱۳۳-۱۵۸.
- رزاقی، سهراب. (۱۳۷۵). مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما. نقد و نظر، سال ۲، شماره ۴، ۲۱۳-۲۰۰.
- رضایی، علی اکبر، صالحی امیری، سیدرضا و رفیعی نژاد، علی اصغر (۱۳۹۰). موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران و ارائه راهکارهای مدیریتی در این حوزه، فصلنامه مدیریت فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۱۱، صص: ۳۲-۱۵.
- رفیع، حسین؛ عباس زاده مرزبانی، مجید؛ قهرمان، میثم. (۱۳۹۷). فرهنگ سیاسی؛ یک بررسی مفهومی و نظری. فصلنامه سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷: ۴۲-۲۳.
- سجاسی قدراری، حمداله، صادقی، وحید و حسینی، محمد حسین (۱۳۹۲)، نقش طایفه‌گرایی در توسعه نیافتگی سیاسی، همایش ملی جغرافیای انتخابات، ۲۰۱۳-۰۴-۳۰.
- سریع القلم، محمود (۱۳۹۶). فرهنگ سیاسی ایران، تهران: موسسه نشر فرزاد روز
- صلاحی پور، بیدگلی (۱۳۹۷). نقش تعاملی پاسخگویی و خودکارآمدی شغلی بر رفتار سیاسی کارکنان سازمان‌های دولتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق.

- عابدی اردکانی، محمد (۱۳۹۳). توسعه نیافتگی سیاسی از منظر فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸)، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره نهم، شماره ۴، صص: ۱۷۰-۱۳۳.
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۴). فهم فرهنگ سیاسی. سیاست خارجی، سال ۹، شماره ۴، ۱۵۲۶-۱۵۱۳
- عیوضی، محمدرحیم و منصور زاده، محمدباقر (۱۳۹۰). تأثیر فرهنگ سازی سیاسی رسانه ملی بر فرآیند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره چهارم، شماره ۱۵، صص: ۹۰-۶۳.
- فلاحی سیف الدین، علی، امیری، علی و ولی زاده، داراب (۱۳۹۳). بررسی ریشه‌های توسعه نیافتگی سیاسی در استان لرستان، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ، دوره نهم، شماره ۳۵.
- قیصری، نوراله. (۱۳۸۸). نخبگان و تحول فرهنگ سیاسی در ایران دره قاجاریه. تهران: مرکز استاد انقلاب اسلامی.
- میرزائی تبار، میثم، صادقی، وحید و حسینی، سیدمحمد حسن (۱۳۹۴). تبیین رابطه فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی؛ مطالعه موردی: شهرستان ممسنی، دو فصلنامه علمی و پژوهشی دانش سیاسی، دوره یازدهم، شماره ۲۲، صص: ۲۰۸-۱۶۹.
- نادمی، داوود. (۱۳۹۰). بررسی جامعه شناختی سرمایه اجتماعی. برگ فرهنگ، (۲۳)، ۸-۳۵.
- نائبی، هوشنگ و میرزایی، مهدی (۱۳۹۷). تبیین رابطه نوع دینداری با نوع فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران)، فصلنامه سیاست، دوره چهل و هشتم، شماره ۲، صص: ۵۱۲-۴۹۳.
- Austin Renny, Stewart (2014) "Explaining the Role of Political Managers and Leaders in Participatory Political Culture" *Journal of Political Geography*, Volume 58, Number 10-11.
- Bratton and Alferr (2016) "The Role of Leaders' Political Capital in the Growth of Political Culture and Political Development" (Comparison between 78 Countries from 1988 to 2008) *Journal of Political Development Studies* Volume 41, Number 8-9.
- Elbanna, S., Thanos, I. C., & Papadakis, V. M. (2014). Understanding how the contextual variables influence political behaviour in strategic decision-making: A constructive replication. *Journal of Strategy and Management*.
- Gan Zir, Kaika (2015) "Rooting for Changes in Political Culture in South Africa" *Quarterly Journal of Future Research in Political Studies*, Volume 38, Number 18.
- Hamidullah, M. F., Van Ryzin, G. G., & Li, H. (2016). The agreeable bureaucrat: personality and PSM. *International Journal of Public Sector Management*.
- Lerner, Jr. et al. (2018) "Strategies for the Development of Participatory Political Culture in Traditional Societies" *Quarterly Journal of Political Parties and Participation*, Volume 17, Number 32.
- Lipst, Michela (2017) "The Role of Social Factors in Political Culture" *Quarterly Journal of Culture, Society and Politics*, Volume 74, Number 67.